



## جایگاه و نقش مصلحت در جرایم علیه امنیت و آسایش

۱- کبری مجیدی بیدگلی، - فاطمه مجیدی

۲- کارشناس ارشد فلسفه غرب دانشگاه شیخ مفید قم  
۲ کارشناس ارشد ادیان و عرفان تطبیقی دانشگاه سمنان

### چکیده

امنیت و آسایش در جامعه به عنوان یک ابزار بازدارنده و حامی منافع عمومی در تمام حوزه‌های حقوق از جمله حقوق کیفری و جرم‌شناسی مطرح است، اما کاربرد آن در نظام عدالت کیفری بیشتر است. مسأله اصلی این پژوهش، بررسی جایگاه و نقش مصلحت در جرایم علیه امنیت و آسایش است. تلاش نویسنده در این تحقیق، احصای مصادیق جرایم علیه آسایش و امنیت، تعیین مبانی فقهی مصلحت در رسیدگی به جرایم حدی و تعزیری و درنهایت روشن ساختن این مسأله است که آیا مصلحت در رسیدگی به جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی نقشی دارد یا خیر و اگر نقش و جایگاهی دارد تا چه حد و میزان می باشد.

**کلیدواژه‌گان:** مصلحت، جرایم، آسایش، امنیت، حقوق کیفری.

### مقدمه

تشخیص کاربرد و جایگاه مصلحت در جرایم با توجه به گذر زمان و شرایط مختلف مقوله‌ای است با اهمیت که مجمع تشخیص مصلحت نظام عهده‌دار آن می‌باشد؛ از جمله جایگاه مصلحت در جرایم، نقش آن در جررایم تعزیری است بویژه زمانی که جرایم علیه امنیت و آسایش صورت گرفته باشد. در تحقیق حاضر مفصلاً به این موضوع اختصاص داده شده و تحلیل‌هایی در این باره صورت گرفته است. تحقیق حاضر به دنبال آن است که نخست، مفهوم مصلحت، مبانی و ضوابط اعمال آن را با توجه به فقه اسلامی و اصول حقوقی استخراج نموده و سپس با بررسی قوانین و مقررات جزایی اسلامی ایران به میزان تأثیرگذاری این مفهوم در جرایم علیه امنیت و آسایش بپردازد و مشخص سازد که آیا مصلحت در اینگونه جرایم کاربردی دارد یا خیر؟.

### ۱- جایگاه مصلحت در قوانین کیفری اسلام

#### ۱-۱- تعریف مصلحت

در فقه امامیه، مصلحت را این گونه تعریف می‌کند: «مصلحت به معنای منافی است که گر چه به طور مستقیم به عموم مردم باز می‌گردد و قلمرو وسیعی دارد به گونه ای که منافع دنیوی، اخروی و فرهنگی و اقتصادی و سیاسی و ... را در برمی‌گیرد». (حسینی، ۱۳۸۰، ص ۸۸) در کتاب «التشریح الجنایی الاسلامی» آمده است: اعمالی که در نظام جزایی اسلام جرم محسوب می‌شود و مورد امر و نهی قرار می‌گیرند به این علت است که انجام یا ترک آن‌ها موجب ضرر به نظام اجتماع یا عقاید آنها یا حیات افراد جامعه یا اموال و یا آبرو یا احسان آنان و یا سایر امور است که لازمه حال اجتماع، حفظ آنها و عدم تفریط در آنهاست. شریعت اسلامی برای حفظ مصالح اجتماعی و صیانت نظامی که اساس جامعه است و برای ضمانت بقای جامعه ای نیرومند، متعهد و متخلق به اخلاق فاضله، بعضی از افعال را جرم تلقی می‌کند و بر آن کیفر می‌دهد. (وکیل‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۷۵) در نظام جزایی اسلام جرم آن چیزی است که در برابر و در تضاد «مصالح معتبر» قرار می‌گیرد. انواع مختلف تجاوز و تعدی نسبت به این مصالح، انواع مختلف جرم را به وجود می‌آورد. (فیض، ۱۳۹۳، ص ۶۶) جرایم بر اساس مصالح تنظیم شده اند و بر ۵ قسم کلی به شرح ذیل می‌باشند:

۱- جرایمی که در آنها تجاوز و تعدی به نفس است، ۲- جرایمی که در آنها تجاوز و تعدی به دین و عقیده است، ۳- جرایمی که در آنها تجاوز و تعدی به عقل است، ۴- جرایمی که در آنها تجاوز و تعدی به نسل است و ۵- جرایمی که در آنها تجاوز و تعدی به مال است. (اردبیلی، ۱۳۹۵، ص ۲۹۸)

#### ۲-۱- مبانی و خاستگاه عقلی و فقهی مصلحت

##### ۱-۲-۱- مصلحت و اصل تقدیم اهم بر مهم (تزام احکام)

هر گاه دو حکم لازم‌الاتباع شرعی در یک مقام با هم جمع شوند، با هم برخورد کنند و در مقام التزام قرار گیرند به طوری که قدرت اعمال و انجام دادن هر دو حکم شرعی را نداشته باشیم، به حکم عقل می‌بایست امر اهم را انجام دهیم. در این باره، علاوه بر این که عقل و اجماع برآن صحه می‌گذارد، روایتی از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمودند: هر گاه دو امر محترم در یک مورد جمع شوند می‌بایست امر کوچکتر را برای امر بزرگتر رها کرد. اقوی بودن مصلحت در امور اجتماعی، سیاسی و حکومتی، کاری است دشوار که فقط از عهده فقیه کارشناس برمی‌آید. در التزام

مصالح نوعیه با شخصیه، مصالح نوعیه تقدم دارد. در دل این قاعده، یک قاعده ی عقلی دیگری به نام «دفع افسد به فاسد» یا «اصل خیر الشریح» نیز مطرح می‌شود، در تراجم، چه در انتخاب اهم و مهم و چه در انتخاب افسد و فاسد، مکلف باید: اولاً: حتماً به یکی از آن دو عمل کند. ثانیاً: انجام آن یک امر، انجام ندادن دیگری را در پی دارد. پس هیچ امکانی برای انجام هر دو حکم نیست. (سلیمی، ۱۳۸۹، ص ۶)

### ۲-۱-۲- مصلحت و قاعده لاضرر

همانگونه که در ادله مصلحت عنوان شد، برخی قاعده لاضرر را از مستندات «مصلحت» دانسته اند بر اساس این قاعده، احکام دینی تا زمانی تبعیت از آنها لازم است که موجب ضرر و زیان نگردد، اگر کسی به عنوان اشکال، ضررهایی را بیان کند که بر اساس عمل به احکام اسلامی خود دچار آن می‌شود مانند پرداخت مالیات شرعی، می‌گوییم قاعده لاضرر تنها ناظر به ضرر شخصی و رعایت مصلحت فردی نیست بلکه مصلحت نوعی و اجتماعی نیز در آن مورد نظر است و در این احکام به ظاهر ضرری، صلاح جامعه و نوع مردم مد نظر قرار گرفته است. (وکیل‌زاده، ۱۳۸۱، ص ۱۹۹) در اینجا باید به این نکته اشاره کرد که در ضرر به شخص، مصلحت شخصی و فردی و در ضرر به جمع، مصلحت جمعی، منظور است. نفع این قاعده به کلیت اجتماع مسلمانان برمی‌گردد؛ در این موارد احکام صادره از جانب شرع بر اساس لاضرر جمعی و نرسیدن ضرر به جامعه انسانی است. در واقع مصلحت نوعی لحاظ شده است. نه مصلحت فردی. به طور مثال، پرداخت زکات بر اساس مصلحت نوعی است نه فردی بر اساس قاعده «الضرورات تبیح المحظورات» که برگرفته از آیات قرآنی است ضرورت نیز عاملی است که با وجود آن حکم تغییر می‌کند. در مورد دفع احکام حرجی نیز چنین است و شارع هرگز دنبال مشقت مکلف نیست بلکه مصالحی که شامل حال او می‌شوند را دنبال می‌کند. در واقع به خاطر دفع مفسده موجود در عمل حرجی شارع آن را رفع نموده است. مثلاً ترک عبادت و تن زدگی از بندگی و ناخشنودی از تکلیف دشوار، از مفسدی است که احکام حرجی به دنبال دارد لذا پایه و اساس رفع حرج نیز رعایت و جلب مصلحت و دفع مفسده بندگان است. نکته مهم در احکام حرجی این است که سنجش مشقت نسبی است مثلاً مشقت نماز نافله با مشقتی که در حج است و مشقت این دو با مشقتی که در جهاد است قابل مقایسه نیست بلکه در همه این‌ها باید به طبیعت عمل و ضرورت و مصلحت آن و حال مکلف نگریست. خلاصه سخن آنکه ضرورت و اضطرار، مصلحت‌ها را تغییر می‌دهد و بین آنها رابطه تنگاتنگی وجود دارد. (وکیل‌زاده، ۱۳۸۱، ص ۲۰۰)

### ۳-۱-۲- مصلحت و بنای عقلا

بنای عقلا صرفاً در امور اجتماعی و غیر عبادی اهمیت دارد و الا، استحسانات و استنتاجات استقلالی آن، نمی‌تواند تغییر دهنده ی موضوعات و احکام عبادی باشد؛ چون در احکام عبادی عقل توان ادراک ندارد. به عبارتی، این نوع احکام، حقایق ملکوتی به شمار می‌روند، که ملاک آن‌ها صرفاً الهی است و با عقول عامه درک نمی‌شود حضرت رسول (ص) و امامان فقط در امور اجتماعی و در محدوده ی مصالح بشری با مردم مشورت می‌کردند و در هیچ یک از احکام تعبدی و موضوعات عبادی مشورت با مردم صحیح شمرده نمی‌شد.

### ۴-۱-۲- مصلحت و عرف

بسیاری از قوانین اصولی، قواعد فقهی و احکام شرعی به ظاهر آیات و روایات مستند هستند و یکی از شایسته ترین مرجع تشخیص ظواهر، عرف است. دلالت امر به وجوب، نهی بر حرمت و دلالت آیات و روایات بر حجیت خبر واحد، قاعده لاضرر و لا حرج بر ظهور عرفی وابسته اند. بدین سان که این قواعد اصولی و فقهی از آیات و روایات به دست آمده اند و فهم آیات و روایات به عرف واگذار شده است. عرف از صغریات مصلحت و استصلاح و به دیگر سخن موضوع ساز برای استصلاح یا تشخیص دهنده ی مصلحت است. از همین روی هم در تشخیص ظواهر الفاظ و مواردی از این دست به عرف رجوع می‌شود، هم در اموری که در شرع، مطلق آمده و ضابطه و معیاری در شرع و لغت، برایش نیست به داوری عرف تن داده می‌شود. هم شارع آن را در اصل تشریح مراعات کرده و هم در استنباط فقیه، اثر گذار است. (صابری، ۱۳۹۰، ص ۲۳۸)

بنابراین منظور از عرف، چیزی است که در میان مردم متداول است، با نص شرعی مخالفتی ندارد، مصلحتی را از میان نمی‌برد و مفسده نیز به بار نمی‌آورد. عرف روش عمومی مردم که از مصلحت اندیشی سرچشمه گرفته و برای حفظ فرد یا جامعه سامان یافته باشد، در صورتی معتبر است که برخورد و تعارض با شرع نداشته باشد. (سلیمی، ۱۳۸۹، ص ۵) به هر روی، عرف در کار استنباط و تشریح و قانون گذاری عامل اثر گذار است. و نمی‌توان از تأثیر آن گریخت، تا آن اندازه که می‌توان در هر مسلک و مکتبی فقهی به خوبی بوی سرزمین نشأت فقیه و حال و هوای روزگاران او را حس کرد، فقه هم ناگزیر از توجه به عرف است و هم کارآمدی اش را وامدار این همراهی و همپایی است. (صابری، ۱۳۹۰، ص ۲۴)

### ۲- مصادیق جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی

### ۱-۲- واژه شناسی

واژه جرایم خلاف امنیت عمومی از نظر لغوی از جرم و امنیت اجتماعی تشکیل شده که عبارتند از: جرم: هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود یا عمل خلاف مصالح عامه را جرم عمومی گویند و امنیت اجتماعی: امنیت در سطح مملکت که ناشی از امنیت قضایی و قانون اساسی کشور است را امنیت اجتماعی می‌گویند. و از نظر اصطلاحی یعنی جرایمی که ضد مصالح عامه است مانند جاسوسی، ساب‌نبی، دعوی نبوت، معامله کتب ضلال و ضد دین، محاربه.

### ۲-۲- مفهوم جرایم بر ضد امنیت و آسایش عمومی

موضوع امنیت مملکت در درجه نخست در حوزه مطالعات سیاسی و یکی از موضوعات علم سیاست است و از این نظر جرایم بر ضد امنیت ممکن است از طریق بیگانگان یا عناصر داخلی صورت گیرد که به وسیله بیگانگان به دو صورت یکی دخالت مستقیم و دیگری دخالت غیرمستقیم است. دخالت مستقیم: عموماً ناشی از یک عمل نظامی و هدف آندر بیشتر موارد اشغال یک سرزمین و یا بخشی از آن برای مدت کوتاه یا طولانی است. دخالت غیر مستقیم: علاوه بر جنبه نظامی ممکن است به طرق دیگری هم باشد مانند دردن کمکهای مالی یا حمایت‌های سیاسی از یک یا چند گروه داخلی تا بر ضد امنیت داخلی کشور دست به اقداماتی بزنند. (ولیدی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۶)

اهداف دخالت خارجی برای مقاصدی همچون:

الف- لطمه زدن به استقلال و تمامیت ارضی کشور

ب- ساقط کردن رژیم حاکم

ج- ایجاد اختلال در اوضاع و امنیت داخلی مملکت

مقصود از جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی جرائمی است که ضرر و نتیجه سوء آنها مستقیماً متوجه مصالح علیه مملکت و تمامیت سازمان‌های سیاسی- استقلال و حیات اقتصادی و در نهایت آرامش و آسایش عموم من حیث المجموع می‌باشد. (گلدوزیان، ۱۳۹۵، ص ۲۸۷)

برای اعمالی که امنیت عمومی را به خطر می‌اندازند ضمانت‌های جزایی پیش‌بینی شده است. امنیت کشور گاهی با توسل به قدرت‌های خارجی و گاهی بدون دخالت عوامل خارجی ممکن است در معرض اعمال مخاطره‌آمیز قرار گیرد. در مواردی نیز اعمال مجرمانه مزبور به منظور براندازی حکومت یا دولت یا لطمه به استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور انجام می‌شود.

بدین ترتیب جرایم بر ضد امنیت کشور به دو دسته عمده زیر تقسیم می‌شود: (گلدوزیان، ۱۳۹۴، ص ۳۸۷)

۱- جرایم بر ضد امنیت خارجی کشور

۲- جرایم بر ضد امنیت داخلی کشور.

### ۲-۳- مصادیق جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی

جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی شامل: ارتکاب اعمالی که به نقض استقلال کشور منجر شود، هر نوع ارتباط مبادله اطلاعات تبانی مواضعه با سفارت خانه‌ها، احزاب کشورهای خارجی و... در هر سطح و به هر صورتی که به آزادی، وحدت ملی و مصالح ج.ا.ا. مضر باشد، دریافت هرگونه کمک مالی و تدارکاتی از بیگانگان، نقض آزادی‌های مشروع دیگران، ایراد تهمت، افتراء و شایعه پراکنی، نقض وحدت ملی و ارتکاب اعمالی چون طرح ریزی برای تجزیه کشور، تلاش برای ایجاد و تشدید اختلاف میان صفوف ملت، نقض موازین اسلامی و اساس ج.ا.ا. اخفا و نگهداری و حمل اسلحه و مهمات غیر مجاز که دادگاه صالح به رسیدگی این جرایم دادگاه انقلاب می‌باشد. (حقیقی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۴)

مقنن قانون مجازات عمومی سابق در باب دوم این قانون تحت عنوان «جنحه و جنایاتی که مضر بر مصالح عمومی است» این دسته جرایم را در دو فصل ذکر نموده است فصل اول «در جنحه و جنایاتی بر ضد امنیت مملکت که مشتمل بر سه مبحث تحت عناوین ۱. جنایات بر ضد امنیت خارجی ۲. جنایات بر ضد امنیت داخلی ۳. سوء قصد نسبت به رئیس مملکت و فصل دوم «در مخالفت و ضدیت با اساس حکومت ملی و آزادی» بیان کرده است. (سالاری، ۱۳۹۲، ص ۲۲۲)

اقدامات و اعمالی که از نظر دفاع کشور مضر و در مناسبات خارجی با سایر کشورها ایجاد اختلال کند و یا علیه استقلال و تمامیت ارضی و امنیت کشور باشد تحت جرم بر علیه امنیت عمومی قابل تعقیب و مستوجب کیفر است که به سه قسمت عمده تقسیم می‌شود. (شامبیاتی،

۱۳۹۴، ص ۱۱۸)

۱- جرایم علیه امنیت کشور مستوجب حد

۲- جرایم علیه امنیت کشور که حسب شرایط تحقق گاهی مستوجب حد وزمانی مستوجب تعزیر است

۳- جرایم علیه امنیت کشور مستوجب تعزیر



جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی مستقیماً مصالح و منافع عمومی ملت و کشور را هدف قرار داده و ضرر و صدمه این جرایم متوجه تمامی افراد جامعه می‌باشد چه آنکه این جرایم استقلال، امنیت و آسایش عمومی مردم را به مخاطره می‌اندازند. (مصلاهی، ۱۳۹۲، ص ۲۹۸)

جرایم علیه امنیت عبارت است از ارتکاب اعمال مجرمانه که به قصد بر هم زدن امنیت و اخلال در نظم عمومی و یا به قصد صدمه زدن به حیات حکومت اسلامی و ساقط کردن آن صورت می‌گیرد و آسایش عمومی زمانی تامین خواهد شد که شئون مختلف زندگی اجتماعی در محدوده قوانین کیفری قرار گیرد و مورد حمایت قانون گذار واقع شود. (شامبیاتی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۳)

جرایم بر ضد آسایش عمومی شامل: سکه سازی، جعل و تزویر، محو یا شکستن مهر، سرقت نوشته جات از اماکن دولتی، فرار محبوسین قانونی، اخفاء مقصرین، غصب عناوین و مشاغل، تخریب ابنیه و آثار. (گلدوزیان، ۱۳۹۵، ص ۲۷۶)

جرایم علیه آسایش عمومی شامل سکه سازی، جعل و تزویر، محو یا شکستن مهر، سرقت نوشته جات از اماکن دولتی، فرار محبوسین قانونی، اخفاء مقصرین، غصب عناوین و مشاغل و تخریب اموال دولتی است که موضوع ماده ۵۸ به بعد ق.م.ا را تشکیل می‌دهد. به علاوه آسایش عمومی وقتی تامین است که مامورین اجرای قوانین و کارمندان دولت وظایف محوله خود را به خوبی انجام و از حدود قانون و عدل خارج نشده و با بی نظری و ایمان و علاقه به وظایف خود عمل کنند و لذا مواد ۵۷۰ تا ۵۸۷ ق.م.ا موضوع فصل دهم به «تقسیمات مقامات دولتی» اختصاص یافته است. (گلدوزیان، ۱۳۹۴، ص ۱۷۶)

### ۳- کاربرد مصلحت در رسیدگی به جرایم

#### ۳-۱- تبیین مصلحت در جرایم حدی و تعزیری

مجازات‌ها در اسلام دارای مصالحی هستند این مجازات‌ها اصولاً بر اساس یک قاعده کلی به دو بخش تقسیم می‌شوند:  
الف: مجازات‌های حدی      ب: مجازات‌های تعزیری.

قانونگذار در ماده ۱۳ ق.م.ا حدود را چنین تعریف کرده است «حد، به مجازاتی گفته می‌شود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است» یعنی مثلاً در خصوص جرم زنا شارع به شکل دقیق تعیین کرده که چه عملی زنا است و چه انواعی دارد و مجازاتشان چیست و به طور کل شارع به شکل دقیق تبیین کرده و مجازات و واکنش آن را نیز گفته است و البته جرایم دیگر. (کلیه جرایم مذکور در کتاب دوم قانون مجازات اسلامی مواد ۶۳ الی ۲۰۳)

تعزیر نیز در اصطلاح، عقوبتی است که مقدار آن در شرع معین نشده، (نجفی، ۱۳۸۷، ج ۴۱، ص ۲۵۴) و این «عدم مقدر بودن» رکن اصلی تعزیر است که بر آن ادعای اجماع شده است. (جلی عاملی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۷۴) فقیهان اهل سنت نیز، همانند فقیهان امامیه معتقدند که قاضی می‌تواند با در نظر گرفتن «میزان جرم» و «مقدار تحمل مجرم» کیفر تعزیر را معین و اجرا کنند. (الجزیری، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۴۰۰) در قانون مجازات اسلامی نیز شبیه این تبیین آمده است (قانون مجازات اسلامی، ماده ۴۳) که بر اساس تعریف مزبور، تفاوت حد و تعزیر در یک نگاه کلی مشخص می‌شود. همچنین در تعریف مجازات تعزیری در ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی چنین بیان نموده: «تعزیر تأدیبه و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع بیان نشده و به نظر حاکم واگذار شده است از قبیل حبس و جزای شلاق که میزان شلاق بایستی از میزان حد کمتر باشد».

امروزه اکثر حقوق دانان بر این باورند که بهترین عامل در تأمین عدالت اجتماعی و امنیت قضایی و تضمین حقوق انسان‌ها همان اجرای تعزیرات است. مجازات‌هایی که معروف به سیستم کیفری نامعین می‌باشد. از دیدگاه حقوق کیفری اسلام فلسفه تعزیرات، تأدیبه و منع بوده است. کیفر تعزیر جنبه اصلاحی و تربیتی دارد و بررسی آن تابع مصلحت است حاکم اسلامی باید طبق مصالح فرد و جامعه، شرایط زمانی و مکانی، ویژگی‌های اخلاقی، روانی و حتی خصوصیات جسمانی بزهکار به تعیین و اجرای کیفری تعزیری اقدام می‌نماید.

#### ۳-۲- مجازات‌های حدی و رابطه آن با مصلحت

مجازات‌های حدی مجازات‌هایی هستند که قانون گذار اسلام مقدار و نوع آن را بیان نموده و تخلف از آن را به هیچ وجه جایز نمی‌داند علت تشریح چنین مجازات‌هایی این است که بنا به ویژگی‌هایی که حقوق اسلام دارد مقنن جزایی اسلام به واسطه علم به مصالح و مفاسد الی الابد، آنها را بدون کم و کاست بیان نموده و راه درمان و برخورد آن را با کیفری که در نظر داشته، بیان نموده است. در احادیث معصومین علیهم صلوات الله آمده است: اجرای حد و اقامه آن از بارش باران برای نظام اسلامی و عموم جامعه مفید تر است.

#### ۳-۳- مجازات‌های تعزیری و رابطه آن با مصلحت

مجازات‌های تعزیری، نشان دهنده انعطاف پذیر بودن نظام جزایی اسلام در برابر شرایط مختلف جرم و مجرمین می‌باشد. نتایج بررسی و تحقیق آیات و روایات نشان می‌دهد که حاکم می‌تواند جنبه حق‌اللهمی مجازات‌های تعزیری را با گذشت شاکی و اقرار متهم و داشتن انگیزه شرافتمندانه مجرم و توبه و پشیمانی مجرم، و حسن سابقه و وضع خاص بزهکار، تخفیف دهد و همچنین مهمترین ادله تعمیم کیفیت‌های مجازات‌های تعزیری به

موارد غیرجلدی از قبیل: حبس، اخذ مال، تبعید، تهدید، تحقیر، توبیخ و سرزنش مجرم، آیات و روایاتی است که به حاکم اسلامی اجازه داده تا او بتواند با توجه به مصلحت مجرم و جامعه اقدام به صدور انواع مجازات‌های تعزیری نماید.

با بررسی آیات و روایات، مجازات تعزیری همیشه منحصر به محرمات الهی نیستند بلکه تشخیص نوع عمل مجرمانه در اختیار حکومت و منوط به صلاحدید آن است و با توجه به غیرمقدر بودن این مجازات‌ها حکومت اعمال مفسده را با در نظر گرفتن جوانب مختلف و نیز ملاک‌ها و معیارهای شرعی جرم اعلام می‌کند و سپس متناسب آن جرم، مجازات حدقلی و حداکثری آن جرم را برای دستگاه قضایی تدوین می‌کند. و قضات نیز با توجه به قوانین مدون و جهات مخففه مجازات مجرم را تخفیف می‌دهند و یا در صورت مناسب بودن به حال متهم به نوع دیگری تبدیل می‌کنند.

### ۴- نقش مصلحت در رسیدگی به جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی

پیش از این گفتیم جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی جزء جرایم تعزیری محسوب می‌شود. تعزیر هم مجازاتی است که اصولاً مقدار و نوع آن توسط مقنن اسلام بیان نشده است به عبارت دیگر مجازاتی است که به عقیده حاکم، واگذار شده است. آن وصفی که بعنوان علت مجازات تعزیری قرار داده شده است عبارت است از: «اضرار به مصلحت و نظم عمومی». پس هر گاه این وصف در فعل یا حالتی وجود داشت، مجرم مستحق مجازات خواهد بود در غیر این صورت مجازاتی وجود ندارد بنابراین شرط در جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی به عنوان یک جرم تعزیری، به خاطر مصلحت عام و انتساب یکی از این دو امر به مجرم می‌باشد: اول: این که مجرم مرتکب فعلی شده است که ارتباط آن با مصلحت و نظم عمومی است. دوم: این که مجرم دارای حالتی است که به زیان مصلحت و نظم عمومی است.

فقه‌ها، برای مشروعیت تعزیر، به خاطر مصلحت عامه چنین استدلال می‌کنند که رسول خدا (ص) شخصی را که بر سرقت شتری متهم بود زندانی کرد، چون بعداً ثابت شد که آن شخص سارق نبوده وی را آزاد نمود و کیفیت استدلال چنین است که زندان، مجازات تعزیری است و مجازات واقع نمی‌شود مگر بعد از اثبات جرم. پیامبر (ص) آن فرد را به صرف اتهام، زندانی نمود یا به سبب موقعیت‌هایی که او را در مظان اتهام قرار داده بود زندانی شدن او را مباح دانسته است... پس اساس این مجازات‌ها همان حمایت از «مصلحت عامه و حفظ نظام عمومی است».

فلسفه وجود مصلحت در رسیدگی به مجازات‌های علیه امنیت و آسایش عمومی را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

۱- عمل ارتكابی مستوجب تعزیر یعنی جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چون مصلحتی از جامعه را مورد خطر قرار داده است لذا می‌توان مجازاتی از همان نوع خطری که ایجاد نموده برایش معین نمود.

۲- اصل در مجازات‌های علیه امنیت و آسایش عمومی، حفظ مصالح اجتماعی و فردی است ولی این مساله باید با توجه به عمل ارتكابی و جرم باشد و شخصیت مجرم، علل و انگیزه عمل مجرمانه مورد بررسی قرار گیرد.

۳- چون تشخیص مصلحت عامه و شخصیت مجرم و اجرای مجازات متناسب کار فراوان و دانش بسیار است بنابراین قاضی کیفری نمی‌تواند از نظریه مشاوره بی بهره باشد این که چه مجازاتی تأمین کننده صلاح فرد و جامعه است و چگونگی آن و اجرای مجازات باید پس از مشورت با کارشناسان و مشاوران باشد و لذا قاضی از پیش خود نمی‌تواند عملی را به مصلحت تشخیص داده و آن را اعمال کند در این حال واجب است که تصمیم قاضی دارای ریشه‌های عقلانی و کاربرد عملی باشد زیرا زندگی و حیات اجتماعی و فردی جز با به کار بستن عقول خبره و اهل فن انتظام نمی‌یابد.

### نتیجه گیری

با توجه به مطالب مندرج در این تحقیق می‌توان گفت مصلحت در جرایم حدی و تعزیری کاربرد فراوان دارد. یکی از جرایم تعزیری، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی است. گرچه همه جرایم به نوعی امنیت را خدشه دار می‌کنند اما، در برخی جرایم این خصیصه روشن تر است. به عبارت دیگر به طور مستقیم با مفاهیم امنیت ملی و آسایش عمومی در ارتباط هستند. به عنوان مثال جرایمی مانند جاسوسی، محاربه، شورش، سوء قصد به جان مقامات سیاسی مستقیماً حاکمیت ملی و اساس پایه‌های حکومت را هدف می‌گیرند. قانونگذار بر اساس مصلحت‌هایی، مجازات‌هایی برای جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی مطابق با مصلحت عامه و شخصیت مجرم در نظر گرفته است. تا مجازات متناسب اجرا گردد و عدالت کیفری برقرار شود.

### فهرست منابع

- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، انتشارات میزان، پاییز ۱۳۹۵
- برهانی، تقی، مفهوم و مبانی مصلحت در قوانین کیفری، قم، انتشارات دانشکده اصول الدین، ۱۳۹۱
- جبللی عاملی، زین الدین، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، ۱۴۱۳
- الجزیری، عبدالرحمان، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۴



- حسینی، سید علی، «نظریه‌ی مصلحت از دیدگاه امام خمینی (ره)»، مجله اندیشه صادق، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۰
- حقیقی، سید مهدی، ق.م.ا. در نظم حقوقی کنونی، انتشارات دادستان و کتاب آوا، ۱۳۹۳.
- سالاری، مهدی، جرایم علیه امنیت کشور، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۲.
- سلیمی، موسی، مصلحت اندیشی و تکلیف محوری در اندیشه و سیره امام علی (ع)، مجله اندیشه صادق، شماره اول، ۱۳۸۹
- شامیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، جلد سوم، چاپ پنجم، ۱۳۹۴
- صابری، حسین، فقه و مصالح عرفی، تهران: سمت، ۱۳۹۰
- فیض، علیرضا، تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۴
- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۹۵
- گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای اختصاصی ۳ و ۲ و ۱، نشر میزان، ۱۳۹۴
- مصلا، علیرضا، مقدمه کتاب جعل و تزویر در حقوق کیفری ایران، ناشر خط سوم، سال ۱۳۹۲
- نجفی، محمد حسین، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۷
- وکیل‌زاده، رحیم، مصلحت و جایگاه آن در حقوق اسلام، تبریز، انتشارات موسسه تحقیقاتی علوم اسلامی، ۱۳۹۱
- ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای اختصاصی، جلد سوم، دفتر نشر داد، ۱۳۹۳

## The position and role of expediency in crimes against security and comfort

Kobra Majidi Bidgoli, Fatemeh Majidi

**Abstract:** Security and comfort in the community are a common deterrent to public interests in all areas of law, including criminal law and criminology, but its application in the criminal justice system is greater. The main issue of this study is to examine the place and role of expediency in crimes against security and comfort. The writer's quest for this research is to provide examples of crimes against comfort and security, to determine the jurisprudential principles of expediency in treating punitive crimes and, finally, to clarify whether the interest in prosecuting crimes against security and public safety plays a role, and if How much and where is its role?

**Keywords:** expediency, crime, comfort, security, criminal law.